روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir
دوشنبه • ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۵ • ۹ شعبان ۱۴۳۷ • ۱۶ می ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۸۴ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۴ • اذان صبح‌فردا ۴:۱۹ • طلوع آفتاب ۵:۵۸

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

ماجرای عشق و عاشقی میدون

شخصیت‌شناسی انگشتی

پوریا عالمی

● من میدون هستم، میدون دوم، عاشق سوفیا. بابای سوفیا اما عاشق من نیست و روی وطن و ناموس و پرسپولیس و اخبار حساس است. دیروز هم که رفتم خواستگاری، بابای سوفیا من را نشاند جلوش و شش‌تا دوربین زوم کرد روی من و چندتا سیم وصل کرد به جمجمه‌ام و گفت: دستت دیگر رو شده و نمی‌توانی من را گول بزنی. چون دانشمندان کشف کرده‌اند که نحوه انگشت‌کشیدن آدم‌ها روی موبایل پته آدم‌ها را می‌ریزد روی آب.بعد بابای سوفیا موبایلش را درآورد و به من زنگ زد. تلفن من که زنگ خورد، کلی خجالت کشیدم چون بابای سوفیا را سیو کرده‌ام «ای‌بابا» یعنی ای‌بابا... ای‌بابا... پدرم درآمد این باباهه زنگ زد. بابای سوفیا خیلی شاکی شد اما غیظش را کظم کرد. گفت: پسر انگشتت را بیار بمال روی موبایل.

گفتم: ای‌بابا. این چه وضعی است؟ اگر چطوری انگشت بمالم چطوری می‌شود؟

بابای سوفیا گفت: ایسنا به نقل از ساینس‌هایر نوشته: «کشیدن انگشت روی قفل موبایل از سمت راست بیانگر احساس قدرت است. اما کشیدن انگشت روی صفحه به سمت پایین یعنی شما شخصی معتدل، لایق و باهوش هستید.در ضمن کشیدن انگشت روی صفحه از سمت چپ، یعنی شما در تجارت موفق خواهید بود. شخصی کاری، لایق و پرطاقت هستید.از طرفی کشیدن انگشت روی صفحه موبایل به سمت بالا یعنی شما شخص مثبت‌اندیشی هستید و نمی‌توانید ناراحتی دیگران را ببینید. همچنین استفاده از هر دو انگشت در یک زمان به این معنی است که برای شما اتمام هر کاری مهم است».

من انگشتم را غلاف کردم و گفتم شرمنده. انگشت این آدم‌هایی که گفتید خیلی باشخصیت و خوبند. ولی فکر کنم شما به من دختر ندهید.

بابای سوفیا گفت: چطور؟

گفتم: راستش من آیفون دارم و به‌جای نوک انگشت، نوک دماغم را می‌مالم به موبایلم. حالا دانشمندان شخصیت من را چطوری ارزیابی می‌کنند، نمی‌دانم. ولی مطمئنم باز هم به من سوفیا را نمی‌دهید.

نتیجه‌گیری: نوک انگشت آدم، هم در انتخابات مؤثر است، هم در مجلس خواستگاری. به تنها جایی که کار ندارند، نوک دماغ است. یعنی فرق ندارد دروغ‌گو باشید یا نه. لطفا حرمت انگشتتان را نگه دارید.

کارتون خواب

علی رومانی
aliromani84@gmail.com

اجبار کردن کارگران به امضای "قرارداد سفید" جرم است

میراث فردا

مصدق؛ از اسطوره تا واقعیت

غلامعباس توسلی

همه‌ساله در سالگرد اردیبهشتی تولد دکتر محمد مصدق، این سؤال مطرح است که آیا مصدقی که نسل‌های پس از او، می‌شناسند با مصدق واقعی و حقیقی قابل‌مقایسه است؟ مصدقی که امروز در میان برخی از گروه‌ها شناخته می‌شود، مصدقی اسطوره‌ای است، اما در آن سو، مصدق واقعی قرار دارد با چهره مردی عمل‌گرا در زندگی فردی، مسائل سیاست داخلی و نگاهی بین‌المللی. مصدق واقعی- درست همچنان که در مورد هر انسانی می‌شود گفت- مصدقی محدود است و فرق دارد با مصدق نامحدودی که به شکل یک اسطوره بی‌عیب و نقص در نسل‌های بعدی شناخته می‌شود. فاصله این دو مصدق بسیار است اما با وجود این فاصله زیاد، نمی‌توان گفت این دو چهره در مقایسه، از هم گسیخته‌اند. باید ببینیم که جوانان امروز و نسل‌هایی که از مصدق فاصله تاریخی دارند، هدفشان از درک مصدق به شکل یک اسطوره بی‌عیب و نقص چیست و چرا خواهان مصدق واقعی با صفت‌های واقعی نیستند. او مردی صادق، دلسوز، جدی و واقع‌بین بود؛ در زندگی و کار و مسئولیت، برنامه‌هایش را بر اساس استدلال‌های منطقی و فکر بنا می‌کرد، مبارز بود و حق‌طلب و به همین خاطر، به‌عنوان یک سمبل بین‌المللی در گوشه و کنار جهان، هنوز نام او را می‌شنویم. شاهکارش، ملی‌کردن صنعت نفت بود، حرکتی که به ذهن دیگران نمی‌رسید. مصدق در واقع با این اقدام، اسطوره انگلیسی را به چالش کشید؛ اسطوره یک نظام سلطه‌طلب که مردم را وامی‌داشت هر کار خوب یا بدی را به آن نسبت دهند. مصدق این اسطوره را از افکار و اندیشه‌های مردم ما زدود و آوازه چنین حرکتی، نام او را به آمریکای لاتین، آفریقا و حتی اروپا هم برد. شخصیت او اکنون یکی از وجوه برازنده ما ایرانی‌ها در تاریخ معاصر جهان است. با وجود این، رسانه‌ها نه خواسته‌اند و نه توانسته‌اند، مصدق واقعی را نشان نسل‌های بعد از او بدهند. مصدقی که روی اوراق تاریخ رسانه‌های ما به ثبت رسیده، چهره‌ای دفرمه و خلاف واقع دارد. مردی که سخنانش را در مجلس، با نام امام حسین (ع) شروع می‌کرد، حالا صورتی ضداسلامی یافته و به چهره‌ای در حاشیه بدل شده است. در چنین روزی، کشف چهره واقعی‌اش می‌تواند یکی از حرکت‌های تاریخ‌ساز این نسل باشد.

ما از چشم دیگران

به ایران نروید

گیسو فغفوری

حالا دیگر می‌توان فیلم را همه‌جا دید، می‌شد یکی از ۸۰ هزار نفری شد که آن را به اشتراک گذاشته‌اند، همان که بنجامین فرانسوی از سفرش به ایران درست کرده و شاید با یک ساختارشکنی نامش را «به ایران نروید» گذاشته است. این فیلم را می‌توان ادامه همان تلاش‌های فردی دانست که راه دوستی دوباره با ایران را می‌گشاید. این سوغاتی یکی از همان توریست‌هایی است که این روزها در خیابان‌های تهران، شیراز و اصفهان و... می‌بینیم؛ از همان توریست‌هایی که با نقشه‌ای در دست روانه خیابان‌های سی تیر و عمارت مسعودیه و... و... می‌شوند. در فوریه ۲۰۱۵ سی‌ان‌ان در اوج شادی‌های پس از تفاهم‌نامه هسته‌ای، ایران را به‌عنوان یکی از مکان‌های دیدنی دنیا پیشنهاد داد و ۳۴ دلیل زیبا برای دیدن ایران ارائه کرد. کمی قبل‌تر نیز عکس‌هایی منتشر شده بود که کلیشه‌های رایج از ایران را زیر سؤال برده بود. شاید دانشجوی فرانسوی عشق‌سفر فکر نمی‌کرد با مدت‌زمان کوتاه سه‌دقیقه‌ای بتواند خنده و گریه را به صورت‌ها دعوت کند. شکستن کلیشه‌ها شاید بهترین تعریف از این فیلم است، اما اینکه خودمان را، همین مردمی که هرروزه از کنارشان به‌سادگی عبور می‌کنیم، از منظری دیگر ببینیم می‌تواند جالب باشد. زنان زیبا و خوش‌تیپ ایران، پیرمردهایی که به‌سادگی می‌خندند و سوار بر دوچرخه عبور می‌کنند، جوانانی که جوجه‌کباب تعارف می‌کنند، مردانی که در زورخانه هستند و ورزش می‌کنند یا دخترانی که بولینگ بازی می‌کنند در کنار هم وقتی معنی می‌دهد که با این کلیشه‌های متداول درباره ایران آشنا باشیم. بدانیم وقتی می‌گویند ایرانی‌ها تحصیل‌کرده نیستند و دخترانی را در پارک در حال طراحی‌کردن نشان دهند، چقدر می‌تواند تأثیرگذار باشد یا وقتی می‌گویند ایران فقط بیابان است و از پیست اسکی با لباس‌های مارک‌دار تصویری نشان داده شود، بهت‌آمیز است یا اینکه وقتی می‌گویند ایرانی‌ها توریست‌ها را دوست ندارند و نشان می‌دهند از روحانی تا پیرمرد از سروکول توریست بالا می‌روند چقدر جالب است یا اینکه وقتی بارها گفته شده تاریخ ایران جدید است دیدن آثاری از زمان کوروش و داریوش و بازی نور و شیشه می‌تواند برای هر بیننده‌ای علاقه‌مندکننده باشد. شاید ما همان مردمی باشیم که نگاهی از بالا به مردم کشورهای پاکستان و افغانستان و حتی هند داشته باشیم و با شگفتی در مقابل یک فرانسوی قد خم کنیم، شاید در اطرافمان بسیاری هرروز برای مهاجرت نقشه بکشند، اما حتی ما و زندگی‌مان هم دلایل زیادی برای ماندن دارد. شاید همان‌طور که این توریست در لوپوئن گفته است: «به ایران نروید؛ شاید رفتید و ماندید».